

« جایگاه دین در هویت انسان »

نشست «جایگاه دین در هویت انسان»، روز دوشنبه 11 آذر 1392 در دانشگاه امام صادق (ع) برگزار گردید. در این نشست که سومین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی «جشنواره ملی ملکوت» بود و به بررسی اندیشه‌های حضرت آیت‌الله جوادی آملی در این باب اختصاص داشت، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا مصطفی‌پور، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی به ایراد سخنرانی پرداخت. در ذیل، به بخش‌هایی از سخنرانی وی به نقل از «خبرگزاری مهر» اشاره می‌کنیم:

مفهوم این عنوان (جایگاه دین در هویت انسان) چیست؟ انسان چه جایگاهی یا چه نقشی در نظام هستی دارد؟ نقش دین در هویت او چیست؟ یا اینکه دین چه جایگاهی را برای انسان در نظام هستی معرفی می‌کند؟ سه کتاب را برای مطالعه بیشتر معرفی می‌کنم: یکی «سرشت انسان با رویکرد تاریخی» است که درباره انسان از منظر متفکران و فیلسوفان، از افلاطون تا دوره پست‌مدرن بحث می‌کند و جزء آخرین تألیفات در این زمینه است؛ این کتاب ترجمه است و شامل مجموعه مقالات است که هر مقاله‌ای از هر فیلسوفی را یک مترجم ترجمه کرده است. کتاب، نگاه فلسفی دارد و دو سؤال را مطرح می‌کند: اول اینکه ماهیت انسان چیست؟ دوم جایگاه انسان در نظام هستی کجاست؟ برای پاسخ به این دو سؤال به سراغ فیلسوفان از یونان باستان تا حالا رفته است.

کتاب دیگر «علم و دین از تعارض تا گفتگو» است؛ دیدگاه‌های مختلفی را راجع به علم و دین بررسی می‌کند؛ می‌گوید برای پاسخ دادن به سؤالات اساسی انسان، سه منبع علم و دین و فلسفه مورد نیاز است. نویسنده این کتاب، جان اف‌هات است و مترجم آن بتول نجفی است. در آنجا یک سؤال مطرح می‌کند که جایگاه انسان در نظام هستی کجاست و اصلاً انسان چرا به این عالم می‌آید. برای اینکه تشبیه کرده باشم، مثالی می‌آورم؛ مانند این است که یک روان‌شناس ماهری را بفرستند داخل دیوانه‌ها. اولین سؤالی که برای روان‌شناس پیش می‌آید، این است که چرا من اینجا هستم یا چرا من را اینجا آورده‌اند؟ پاسخی که می‌دهد، می‌گوید یا یک روز من هم باید مثل این دیوانه‌ها شوم که این جواب، منفی است و پاسخ دوم او این است که چون جرمی مرتکب شده‌ام، برای مجازات مرا به اینجا آورده‌اند یا اینکه می‌گوید من به اینجا آمده‌ام یا مرا آورده‌اند تا اینکه عامل بیماری این دیوانگان را کشف کنم. بعد روان‌شناس می‌گوید چرا من این سؤال را از خود می‌کنم. سپس جواب می‌دهد به خاطر این است که من استدلال و تعقل دارم. نویسنده کتاب می‌گوید به این سؤال نه علم، نه فلسفه نمی‌توانند جواب دهند، بلکه دین فقط می‌تواند به آن جواب دهد.

کتاب سوم هم است از الکسیس کارل: «راه و رسم زندگی». او در این کتاب می‌گوید انسان چیست؟ چه نیازهایی دارد؟ در پایان کتاب بحث می‌کند تمدن بشر، امروز دچار بحران شده است. بعد سؤال می‌کند علت بحران تمدن امروز چیست؛ بحران‌های اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیط زیست و... وی می‌گوید علت اصلی آن این است که ما به تناسب پیشرفت علم، به نسبت شناخت به طبیعت بی‌جان، از شناخت انسان غافل شده‌ایم. نمی‌دانیم ماهیت و هویت انسان چیست؛ لذا برای اینکه انسان را نشناختیم، دچار این بحران شدیم.

آیت‌الله جوادی آملی هم می‌گوید اگر می‌خواهیم انسان را بشناسیم، خودمان نمی‌توانیم. باید ببینیم انسان‌آفرین، راجع به انسان چه چیزی گفته است. اگر بگوئیم انسان، جانور ابزارساز است، این مغالطه‌کنه و وجه است. اگر بگوئیم انسان، یعنی موجود اجتماعی یا مدنی‌الطبیع که اهل سیاست می‌گویند این هم مغالطه‌کنه و وجه است. اگر بگوئیم انسان یک حیوان ناطق است، باز هم مغالطه‌کنه و وجه است. حالا اگر بخواهیم بدانیم هویت انسان چیست، آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید انسان، حی، متأله و مائت است. حی، غیر از حیوان و جانداران دیگر است؛ یعنی همان‌طور که خدا، حی دارد، انسان هم حی دارد؛ حیات دارد. در تعریف حی، موجودات غیر از انسان و خدا از دور خارج می‌شوند. انسان موجودی متأله است؛ یعنی هویتش غیر از هویت الهی بودن است. خیلی جایگاه انسان را بالا می‌برد. شنیده بودیم انسان، خلیفه خداست، اما حی متأله را نشنیده بودیم. پس انسان دارای فطرت الهی است. این فطرت هم تبدیل پیدا نمی‌کند؛ یعنی بدل نمی‌شود. همه فطرت دارند. ممکن است کسی جلوی شکوفا شدنش را بگیرد، اما نمی‌تواند آن را از بین ببرد. لذا قرآن به حضرت موسی (ع) می‌گوید برو فرعون را بیدار کن؛ در نهایت، جایی فطرتش، خودش را نشان می‌دهد.

اما مائت؛ یعنی میرا؛ یعنی با این صفت، از فرشتگان متمایز می‌شود. انسان از جایگاه واقعی خود در عالم آفرینش غافل است. قرآن می‌گوید همه انسان‌ها با خدا ملاقات می‌کنند. منتها برای هر کسی درجه این ملاقات فرق می‌کند. الوهیت هم معنایش همین است. پیامبر (ص) یک‌جور ملاقات می‌کند؛ سلمان یک‌جور و انسان‌های معمولی یک‌جور و کافرین هم یک‌جور ملاقات می‌کنند. هویت واقعی انسان معلوم است چیست، ولی ما خودمان از هویت خودمان غافلیم. کار انبیاء (ع)، تذکر و بازبازی هویت انسانی است. باید این بازیابی و تذکرات و تعالیم دینی را در زندگی مان استفاده کنیم، در غیر این صورت، کتاب قرآن در بین ما باشد و ما استفاده نکنیم، مانند حماری هستیم که کتاب حمل می‌کنیم.